

معرفی و نقد کتاب

## معرفی ترجمه

# البلاغه



• بخشعلی قنبری

عضو پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی

سال گذشته به مناسبتی در خدمت آقای مصطفی ملکیان بودم و از ایشان در این زمینه پرس و جو کردم. ایشان ترجمه‌های زیر را حائز این شرایط دانست: ترجمه فیض الاسلام که هنوز هم در دقت هیچ ترجمه‌ای به پای آن نمی‌رسد؛ ترجمه سپهر که ضمناً روان‌تر از فیض الاسلام است؛ اما از همه مهم‌تر، ترجمه‌ای به قلم آقای حسین استاد ولی است که هنوز چاپ و منتشر نشده است و ویژگی دقت و روان و سلیس بودن را توأمًا داراست.<sup>۱</sup> برای دیدن این ترجمه، لحظه‌شماری می‌کردم تا حدود یک ماه پیش که آن را مشاهده و بلافاصله برای معرفی آن در کتاب ماه دین اقدام کردم.

به سبب افتخار آشنایی با مترجم محترم، کم و بیش با ترجمه‌های ایشان آشنایی دارم. ترجمه روان و دقیق ایشان از بحرال معارف که در یکی از شماره‌های همین مجله معرفی کرده‌ام، از توانایی مترجم حکایت دارد.

استاد ولی ترجمه خود را با مقدمه‌ای برای بررسی و معرفی نهج البلاغه آغاز کرده است. وی پیش از همه، موضوعات اصلی کتاب را معرفی کرده که مهم‌ترین آنها چنین خلاصه شده است: عقاید و معارف دینی؛ احکام شرعی؛ اخلاق اسلامی؛ مسایل اجتماعی؛ تاریخ؛ طوایف و اشخاص؛ پیشگویی‌ها و خبر از حوادث خونبار آینده؛ تفسیر و بیان انواع حدیث.<sup>۲</sup> مترجم آنگاه درباره انتساب نهج البلاغه به امیرمؤمنان سخنانی آورده و چند نکته را یادآور شده است.

### انتساب نهج البلاغه

مؤلف گرانقدر نهج البلاغه بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان علی (ع) نگریسته است و به همین جهت عباراتی را که هرچه بیشتر از این ویژگی برخوردار بوده انتخاب کرده و

■ نهج البلاغه

■ ترجمه حسین استادولی

■ تهران، نشر اسوه، ۱۳۸۴

صاحب این قلم که سالیان درازی است ترجمه‌ها و شرح‌های نهج البلاغه را پیگیری می‌کند و تقریباً مشهورترین آنها را معرفی یا بررسی کرده و اغلب این بررسی‌ها در این نشریه منتشر شده، درصدد یافتن ترجمه‌ای دقیق و در عین حال روان بوده، هرچند که کم‌تر به خواسته خود رسیده است. با این همه، در



مزایای آنها بر پاره‌ای نقص‌ها و اشتباهات نیز آگاهی یافت و از همین طریق نقدی هم بر ترجمه ارزشمند دکتر سیدجعفر شهیدی نوشت و ظاهراً مقبول ایشان افتاد و در چاپ بعد ضمن اصلاح آنها به نام ناقد نیز اشاره فرمود. از این‌رو در اندیشه ترجمه‌ای افتاد که علاوه بر ارائه ترجمه‌ای درست‌تر از این کتاب گرانقدر، کار ترجمه قرآن کریم خود را نیز تکمیل نموده باشد، چنان که ترجمه صحیفه سجادیه خود را نیز با ترجمه مفاتیح‌الجنان کامل ساخت.

بنابراین پیشنهاد ترجمه را از سوی انتشارات وزین و موفق اسوه پذیرفت و در سال ۷۷ کار را شروع کرد، ولی چاپ آن به علی تأخیر افتاد تا این زمان که به حمدالله به چاپ رسید و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.<sup>۶</sup>

#### روش ترجمه

مترجم ضمن معرفی ترجمه‌های دیگر به ذکر نقایص ترجمه‌های مورداستفاده خود نیز پرداخته است:

«روش مترجم در این چنین بود که نخست نهج‌البلاغه را از روی نسخه صبحی صالح ترجمه کرد، سپس با تطبیق متن صبحی صالح با متن فیض‌الاسلام، مواردی را که در متن فیض‌الاسلام درست یا درست‌تر می‌دانست براساس همان متن اصلاح نمود. در ضمن ترجمه به شرح‌های ابن ابی‌الحدید و ابن میثم نیز مراجعه می‌کرد و اصلاحات لازم را به عمل می‌آورد.

اما از آن رو که پیش از اقدام به ترجمه، با ترجمه ادیب گرامی جناب آقای محسن فارسی آشنا بود و قلم زیبا، روان و مسجع آن را پسندیده بود، پس از انجام این کار، به ترجمه مذکور نیز مراجعه کرد و با بهره‌گیری از آن، موارد بسیاری را از نظر قلمی و تعبیرات فارسی زیبا و جذاب، اصلاح نمود و این بهره‌مندی تنها از نظر قلم و ترکیب عبارات بوده و ارتباطی به محتوا ندارد، که متأسفانه آن ترجمه از دقت نظر کمتری برخوردار است. با این حال خود را مبرای از اشتباه نمی‌پندارد».<sup>۷</sup>

مترجم برای آسان‌یاب بودن مطالب برای خوانندگان نهج‌البلاغه و نهج‌البلاغه‌پژوهان فهرستی تطبیقی میان متون صبحی صالح، فیض‌الاسلام، شرح ابن ابی‌الحدید و ابن میثم، در

به همین دلیل نیز نام آن را نهج‌البلاغه (راه و روش فصاحت و بلاغت) نهاده است. چون ارزش یک اثر ادبی به لطف و زیبایی آن است نه در اسناد آن، سیدرضی به ذکر اسناد نپرداخته است. به علاوه، شهرت سخنان و انتساب آنها به آن حضرت و نیز سطح والای سخنان به حدی است که نیاز به ذکر سند نیست.

همچنین، مطالب نهج‌البلاغه سخنان اخلاقی است که عقل عملی مؤید آن است و نیازی به ذکر سند نیست.<sup>۳</sup> با وجود این مترجم چند منبع را جهت آگاهی خوانندگان از اسناد نهج‌البلاغه به قرار زیر معرفی کرده است:

ماهو نهج‌البلاغه، تألیف مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی؛ مدارک نهج‌البلاغه، تألیف مرحوم شیخ هادی آل کاشف‌الغطاء؛ استناد نهج‌البلاغه، تألیف امتیاز علی خان عرش‌ی هندی؛ مصادر نهج‌البلاغه، تألیف سید عبدالزهراء حسینی؛ نهج‌السعادة، تألیف شیخ محمد باقر محمودی.<sup>۴</sup>

مترجم در این باره چنین نوشته است: «گرایش‌های مذهبی، سلیقه‌های شخصی، ناآگاهی‌های تاریخی و حدیثی و برخی علل دیگر، گروهی را برانگیخته است تا اولاً در انتساب کتاب نهج‌البلاغه به سیدرضی، شبهه کنند، ثانیاً در انتساب مطالب آن به علی (ع) تردید افکنند. مجموع این شبهات به ده شبهه می‌رسد که همه آنها به آسانی از سوی عالمان شیعه پاسخ داده شده است و ما به جهت تنگی مجال و بی‌پایه بودن آنها، به نقل و پاسخ آنها نمی‌پردازیم و خوانندگان گرامی را به کتاب‌های زیر ارجاع می‌دهیم:

پاسخ به معاندان نهج‌البلاغه، تألیف محقق گرامی شیخ عزیزالله عطاردی؛ نهج‌البلاغه از کیست؟ تألیف مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن آل یاسین؛ بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج‌البلاغه، آیت‌الله رضا استادی؛ مقدمه ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، آیت‌الله مکارم شیرازی».<sup>۵</sup>

مترجم در ادامه، نحوه ترجمه و چگونگی آغاز آن را توضیح داده است: «آخرین سخن در این مقال کوتاه، درباره ترجمه حاضر است. این مترجم ضمن ویرایش یکی از ترجمه‌های نهج‌البلاغه، به ترجمه‌های موجود مراجعه می‌کرد، از این‌رو با پی بردن به

### چند نکته

در پایان این مقاله چند نکته به عرض خوانندگان می‌رسد:

۱. ترجمه حاضر انصافاً در میان ترجمه‌های حاضر از نظر دقت و روان بودن سرآمد است. هرچند که هیچ ترجمه‌ای، ترجمه‌ای نهایی نخواهد بود و این ترجمه نیز از این قاعده مستثنا نیست.
۲. به همان اندازه که محتوای ترجمه خوب است، شکل ظاهری صفحات و نحوه تنظیم آن نامناسب است. معلوم نیست چرا ناشر محترم این اثر ارزنده، ظاهری متناسب با محتوای زیبای آن مهیا نکرده است. کتاب متجاوز از ۱۱۰۰ صفحه است. این در حالی است که اگر ناشر در تنظیم صفحات دقت می‌کرد حجم آن به نصف کاهش می‌یافت، ضمن آن که از اسراف فراوانی که در آن صورت گرفته جلوگیری می‌شد. ناشر می‌توانست از سلاقی دیگران، از جمله از سلیقه عالی علی شیروانی در ترجمه، بهره بگیرد و از حجم غیرضرور بکاهد.

۳. به رغم ترجمه عالی، مترجم محترم مقدمه‌ای غیرضروری و تکراری آورده که معلوم نیست درصدد پاسخگویی به چه سؤالی است؟ درباره موضوعاتی که مترجم در مقدمه آورده، تحقیقات زیادی صورت گرفته است و تکرار گزیده آنها ضروری به نظر نمی‌رسد. به ویژه آنکه، این گزیده نیز صورت علمی و دقیق به خود نگرفته جز این که تعداد صفحات را افزایش داده است.
۴. پیشنهاد می‌شود مترجم محترم درباره قطع کتاب، تعداد صفحات آن و نیز مقدمه تجدیدنظر کند تا ارزش محتوای عالی و ترجمه کم‌نظیرش هم‌چنان محفوظ بماند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. گفت‌وگوی حضوری نگارنده با آقای مصطفی ملکیان در مهر ۱۳۸۳ در پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۲. مقدمه مترجم، ص ۲۷-۲۸.
۳. همان، ص ۲۸-۲۹.
۴. همان، ص ۲۹.
۵. همان.
۶. همان، ص ۳۱.
۷. همان، ص ۳۱-۳۲.
۸. همان، ص ۳۲.
۹. همان، خ ۲، ص ۴۶.
۱۰. همان، خ ۲۰۴، ص ۳۲۱.



پایان کتاب نهاده است.<sup>۸</sup>

برای آشنایی خوانندگان با دقت و روان بودن ترجمه حاضر به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: «احمد استتماماً لنعمة و استسلاماً لعزته، و استعصاماً من معصيته و استعینة فاقة الی کفایتہ، انه لا یضل من هده و لایتل من عاده»<sup>۹</sup>؛ «خدای را برای دریافت کامل نعمتش و فروتنی در برابر عزتش و پناه جستن از نافرمانی‌اش سپاس و ستایش می‌گویم، و به خاطر نیاز به کفایتش از او یاری می‌جویم، که هر که را او هدایت کند گمراه نشود، و هر که را او دشمن بدارد رهایی نیابد».

و نیز:

«تجهزوا و رحمکم الله! فقد نودی فیکم بالرحیل و اقلوا العرجة علی الدنیا و انقلبوا بصالح ما بحضرتکم من الزاد، فان امامکم عقبه کؤوداً و منازل مخوفة مهولة لا ید من الورد علیها»<sup>۱۰</sup>؛ «خدا شما را رحمت کند، بار سفر بردارید که همانا بانگ رحیل (کوچ کردن) را در میان شما برآورده‌اند، و کم‌تر در این سرمنزل دنیا درنگ کنید، و با توشه خوب و شایسته‌ای که در دسترس شماست به راه افتید، زیرا کربوهایی سخت و ناهموار، و منزل‌هایی هول‌انگیز و ترسناک در پیش دارید، که از فرود آمدن و درنگ نمودن در آنها چاره‌ای نیست».